

گزیده مکتوبات لکھن

ژک لکان مترجم: امیر صدیق دہشتانی فر



سرشناسه: لکان، ژاک، ۱۹۰۱ - ۱۹۸۱ م.

Lacan, Jacques

عنوان و نام پدیدآور: گزیده مکتوبات لکان/ژاک لکان: ترجمه‌ای از امیرصدرا درخشانی‌فر.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات دمان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۱۸-۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر بخشی از کتاب "Écrits: a selection" است که به فارسی ترجمه شده است.

موضوع: روانکاوی

موضوع: Psychoanalysis

شناسه افزوده: درخشانی‌فر، امیرصدرا، ۱۳۶۶- مترجم

شناسه افزوده: Derakhshanifar, Amiradra

رده بندی کنگره: BF۱۷۳

رده بندی دیویی: ۱۵۰/۱۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۴۲۴۱۲

گزیده مکتوبات لکان

ژاک لکان

مترجم: امیرصدرا درخشانی‌فر

نمونه خوان: قاسم مؤمنی

مدیر نشر: حمیده درویش

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ، چاپ و صحافی: رامین

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۱۸-۹-۳

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات دمان

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه مترجم
۱۵.....	پیش گفتار ملکم بوئی. کتب گزیده مکتوبات لکان
۱۹.....	ساحت آیینگی به عنوان شکل بنده کارکرد «من نفسانی» در پرتو تجربه روانکاوی
۲۷.....	خشونت در روانکاوی
۵۳.....	کارکرد و حوزه سخن و زبان در روانکاوی [یا «گفتار رُم»]
۵۸.....	مقدمه
۶۳.....	سخن تهی و سخن پُر در تکوین سوژه از دید روانکاوی
۸۱.....	نماد و زبان به عنوان ساختار و حد حوزه روانکاوی
۱۰۱.....	رزونانس تفسیر و زمان سوژه در تکنیک روانکاوی
۱۲۷.....	فاعلیت حرف در ضمیر نی آگاه یا عقلانیت از زمان فروید

مقدمه مترجم

ماجرای روان‌نگاری را باید از زمانی جستجو کرد که دانشمند جوان اتریشی، زیگموند فروید، در خلال استوایدهای خود به فرانسه با پزشکی به نام شارکو آشنا شد. چیزی که برای فروید پیش‌برانگیر بود این بود که شارکو می‌توانست از طریق هیپنوتیزم بیمارانی را که نیمهٔ مناسبت‌رسان بدشان لمس و بی‌حس بود تبدیل به بیمارانی کند که نیمهٔ چپ بدنشان بی‌حس است. چنین شاه‌های فروید را به فکر فروبرد که اگر ریشهٔ این حالات بیماران، جسمی است یا پخته است که با هیپنوتیزم که قاعدتاً اعمال اثری بر روی جسم ندارد سمپتوم‌ها یا نشانه‌های بیماری رفع شده یا تغییر می‌کند؟ در همان هنگام مسئله‌ای در زمینهٔ حقوق و صنعت بیمه نیز به این شرح شکل گرفته بود: افرادی که مثلاً تصادف می‌کنند و در آن لحظه به گواهی پزشکان هیچ صدمهٔ جسمانی‌ای نمی‌بینند اما ماه‌های بعد دچار تروما می‌شوند، آیا بیمه‌کننده به حیران خسارت است یا خیر؟ همچنین معروف است که در آن زمان حتی بسیاری از استادان پزشکی فروید، بیماران هیستریک را صرفاً افرادی تلقی می‌کردند که در حال تمارض هستند و فروید پس از شنیدن این مطلب از زبان جمعی از استادان، برای نقض این حرف، سوزنی را در پای یکی از همین بیماران هیستریک فروکرد و آن بیمار حتی متوجه سوزن نشد. اساساً پروژهٔ فکری طولانی فروید که طی دهه‌ها مورد بازبینی شخص وی قرار گرفت، از مسئلهٔ هیستریا آغاز شد و حاصل مطالعات اولیهٔ وی با همکاری بروئر، در کتاب مطالعاتی دربارهٔ هیستریا در اواخر قرن نوزدهم به چاپ رسید. اما شاید مهم‌ترین و

رادیکال‌ترین اثر وی را باید کتاب تعبیر رؤیا دانست که در ماه‌های آغازین قرن بیستم به چاپ رسید. در آنجا به طور مبسوطی به مسئله کارکرد زبان در تجهیزات روانی انسان و نیز ضمیر ناخودآگاه پرداخته می‌شود. وی در ادامه مطالعات نظری و بالینی خود به سه‌گانه معروف من، فرامن، و آن رسید که به ترتیب توسط مترجم آثار او، استراچی، به اگو، سوپراگو و اید ترجمه شد. به درستی موضوع علم روانکاوی را باید مطالعه ضمیر ناخودآگاه دانست. فروید در میان مطالعات خود به پارگی سوژه انسانی اشاره کرد که مورد توجه فیلسوفان قرار گرفت. اما در آثار متأخر وی مانند فراسوی اصل لذت، فروید به مشکلات و گره‌هایی معرفت‌شناختی برخورد که در نوشتن آن‌ها تعللی نکرد. در اولین کتاب خود، تمدن و نااملاقت‌هایش، اشاره‌های متعددی به نقش بیگانه‌کنند، تمایز غرب، کرد و بدین‌ترتیب روانکاوی را به عنوان میراث نسبتاً مدونی برنهاد که بعدها توسط ملحدی‌مآبان و سودجویان آمریکایی و انگلیسی مورد سوء استفاده قرار گرفت، آنجا که به اوهرزاده‌ی، ادوارد برنیز و نیز دخترش، آنا فروید، نقش مهمی در ایجاد پرباگ‌ها و جنگ روانی در ایالات متحده ایفا کردند؛ مسئله‌ای که در مستند چهار قسمتی ترس، سالیانی قبل توسط بی‌بی‌سی به نمایش گذاشته شد. در چنین شرایطی، یک پزشک فرانسوی به نام ژک لکان، پروژه بازخوانی و تدقیق روی آثار اساسی فروید را آغاز کرد و به ترتیب تمام ساحات علوم انسانی را با چالش‌های بی‌ظنیری مواجه کرد. نکته‌ای که لکان هیچ‌گاه از آن صرف نظر نکرد این بود که اگر گاهی نارسایی‌هایی در نظریه‌پردازی فروید مشاهده می‌شود، دلیل آن بارور نبودن دانش زبان‌شناسی و برخی دیگر از حیطه‌های علمی بود. بنابراین، لکان خوانش خود از آثار فروید را با تکیه بر زبان‌شناسی فردینان دو سوسور و رسیسی، دوگانه معروف استعاره و مجاز رومن یاکوبسن روس، خوانش کوژو از آثار هگل، و نیز فلسفه ریاضی گوتلیب فرگه آلمانی آغاز کرد. ناگفته پیداست که لکان در سراسر سمینارهایش که بیش از ربع قرن هر هفته برگزار شدند، نقدهای خود را به آثار تک‌تک این نظریه‌پردازان وارد نمود و گاهی حتی به صورت رادیکالی به تغییر آن‌ها پرداخت. در اینجا تنها به ذکر یک مثال اکتفا می‌شود. برای سوسور، دال که همان تصویر صوتی یک کلمه است، ذیل مدلول که در حقیقت مفهوم تصویری آن است تعریف می‌شود.

حضور ریاضی‌دانان، فلاسفه و متالهان، به بررسی ابعاد آن پرداخت. در همین دوران، عضویت وی در انجمن روانکاوان بین‌الملل لغو شد! دلایل این ماجرا مفصل است و استوآرت شنایدرمن در کتاب *لکان: مرگ یک قهرمان فرهیخته*، به آن می‌پردازد. سه امر مورد اشاره لکان در اینجا به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد:

الف. امر خیالی. شاید هسته اولیه این امر را در مقاله «مرحله آیینگی» لکان باید جستجو کرد که در آن، کودک انسان خود را در آئینه و نیز در قبال واکنش‌های دیگران می‌شناسد. به عبارتی، ساحتی در دیالکتیک سوژه انسان وجود دارد که از جنس ایماگوها و هاله و کلاً قوه باصره انسان است و اتفاقاً آگوی فروید هم در این ساحت جای دارد. در همین جا اولین معارضة فیلسوفان کوگیتو با لکان شروع می‌شود. حداقل به در دلیل: نخست آنکه چنین فیلسوفانی برای آگاهی و خودآگاهی هویت قائل‌اند؛ درحالی‌که لکان آگاهی را در این ساحت در دیالکتیک چهاروجهی معروف خود می‌بیند. سمای رم آنکه، لکان به صراحت و بارها تأکید و اثبات می‌کند که آگو، خود یک ابژه است: امر، زبان، بژه دیگری بزرگ.

ب. امر رمز و نمادین. اینجا سخن از نفی و تفاوت و قیومیت و ولایت نام پدر است. سخن از قانون است. سخن از استعاره‌ای است که دال آرزومندی و اشتیاق مادر جای خود را به صورت نی‌آکسی به نام پدر می‌دهد. نام پدر یا نفی پدر موضوع اساسی است که لکان پایان عقده ادیپ را در رفش زیر بار این نام و نفی پدر می‌داند و همین را اختگی ناگزیر نمادین نام می‌نهد. پیش از لکان، فروید مجبور شد تا به اسطوره‌پردازی دست آویزد. به این معنا که می‌بایست پدر اوییه‌ای را قائل اولیه وجود داشته باشد که خود تحت قیومیت و اختگی نرفته باشد، اما سوره‌ها را از طریق نفی و نام خود تولید کند. لکان جدای از اشاره‌هایی که به نقش کلمه در آفرینش انسان می‌کند و جدای از تصریحی که در کتاب *فتح دین* می‌کند که دست‌آویز انسان را باید رد در جستجو کرد، به ضرورت امر توحیدی یا چیزی از جنس امر توحیدی اشاره می‌کند و بحث بسیار غامضی را مطرح می‌کند که از حوصله این بحث، خارج است.

ج. امر واقع. به بیان ساده، آنچه که به بند زبان نیامده و تسخیر امر خیالی نشده، اما دارای حضور است، امر واقع نام دارد. ابژه‌علت اشتیاق یا ابژه کوچک a را باید در اینجا قرار داد.

در دیالکتیک چهارضلعی لکان، نخست ضمیر ناخودآگاه است که ساختاری مانند

زبان دارد و در تور زبان است. دوم، اگو یا همان ابژه خیالی است که انسان با خود اشتباه می‌گیرد و محمل عواطف و همذات‌پنداری‌هاست. سوم، هسته زبان یا دیگری بزرگ است که اتفاقاً نقش بیگانه‌کننده توهمی و نیز نقش شمات‌کننده و اماره را دارد. چهارم، دیگری‌های کوچک یا همان اگوی انسان‌های دیگراند که در دیالکتیک سوژه انسانی نقش دارند.

از دیگر بدایع لکان جایگزینی ژوویسانس است با لذت. ژوویسانس لذت همراه الم است، و دیگر نیازی به تفکیکی که فروید از اصل لذت و اصل واقعیت کرد، نیست. نیز لکان، -تأیید، خواست و شوق یا اشتیاق را از هم تفکیک کرد و در تفسیری هگلی، کاربرد اصلی زبان را در اشتیاق، اشتیاق شناساندن نفس به دیگری، جستجو کرد.

در پایان، تردید که ضروری است؛ نخست اینکه این گزارش مختصر، صرفاً شماری کلی از آراء لکان است. ر اقم این سطور از اندیشمندان پژوهش می‌طلبید که گاهی مجبور به سطحی‌سازی برخی مفاهیم شد و دوم آنکه در سالیان اخیر، محققانی مانند مارسل پوند در انگلستان نگاه‌های الهاماتی را در لکان رصد کردند و در پی بررسی آن هستند و علی‌رغم وجود مصطفی بیفوران، کانی بزرگ، کمتر متأله مسلمانی لکان را از این نظر مورد تدقیق قرار داده است. شاید کم‌کم علیا که لکان بارها به آن می‌پردازد، نقطه آغاز مہینی باشد.

کتاب پیش‌رو ترجمه‌ای است از چهار نوشتار لکان در این چهار نوشتار عبارت اند از:

مرحله آئینگی: زوربخ، ۱۹۴۹

خشونت در روانکاوی: بروکسل، ۱۹۴۸

گفتار رم: ژم، ۱۹۵۳

فاعلیت حرف: پاریس، ۱۹۵۷

دلیل انتخاب این چهار نوشتار را بیش از هر چیز باید در میزان ارجاعاتی که در متون روانکاوی به آن‌ها داده می‌شود، جستجو کرد. علی‌رغم اینکه از متن فرانسوی و دو ترجمه انگلیسی - یعنی بروس فینک و الن شریدن - بهره گرفته شده است، این ترجمه را تنها می‌توان نقطه شروعی برای ترجمه و تولید ادبیات مربوط به روانکاوی در زبان فارسی دانست. بسیار بجاست که از زحماتی که خانم دکتر میترا کدیور در بسط و شرح آثار لکان می‌کشند قدر دانی کنم؛ و کتاب مکتب لکان ایشان را همواره نوشتاری سترگ

بدانم. همچنین آقای دکتر کرامت موللی نیز به حق، در باب واژگان لکان و برقرار نمودن نسبت میان لکان و زیان ما، گام‌های اساسی‌ای برداشته‌اند. از تمام اندیشمندان این حوزه می‌خواهم که قصورهای موجود در این ترجمه را بر من ببخشایند.

در فرایند ترجمه لکان و پیش از آن، مجبور به مراجعه به منابع اصیل روانکاوی بودم و از بسیاری از آن‌ها در پاورقی‌ها استفاده شد و فهرست کاملی از آن‌ها در انتهای کتاب قرار داده شد.

مایم از جناب دکتر اکرمی به دلیل راهنمایی‌های ارزنده، دکتر جولیا اونز به دلیل هدایت‌های بی‌بدیل و دکتر مکارمی به دلیل یاری‌های بزرگوارانه‌شان تشکر نمایم. همچنین از خانم دکتر اکرمی به دلیل پیگیری‌های مجدانه و صبورانه‌شان بی‌حد سپاس‌گزارم. باید ویراستادم دکتر حجت صادقی خواهم بود و همواره از هنرمندانی چون گلناز فریدی خواهم آموخت.

تهران بهمن ۱۳۹۷